

مطالعه تطبیقی حقوق اقلیت‌ها در اسلام با تکیه بر عهدنامه مالک‌اشتر و اسناد بین‌المللی

حمیدرضا طالقانی (ورکشی) * / بیژن حاجی‌عزیزی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

چکیده

آغاز توجه به حقوق گروه‌های اقلیت به عنوان بخشی از حقوق بشر و به عنوان یکی از مباحث بین‌المللی به قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد که در قرن بیستم به اوج خود رسید. از آنجائی که نظام‌های حقوقی بر پایه رای اکثریت شکل می‌گیرد و رعایت حقوق اقلیت‌ها در این نظام‌ها از دغدغه‌های مهم حقوق بشر است، جایگاه گروه‌های اقلیت در نظام‌های متأثر از اسناد بین‌المللی و نظام الهی انعکاس یافته در عهدنامه مالک‌اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) چگونه است؟ بر این اساس پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای؛ توصیفی - تحلیلی به مطالعه تطبیقی و وجوه تمایز دو نظام مذکور پرداخته و حاصل اینکه در حکومت امام علی (علیه السلام) یعنی؛ هزار سال پیش‌تر از سایر جوامع به حقوق اقلیت‌ها توجه شده است و در نظام علوی سعی بر کاهش فاصله‌های میان اقلیت‌ها شده است. بر اساس سیره حکومتی و فرمایشات امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه بویژه عهدنامه مالک‌اشتر تعهدات حقوقی نسبت به اقلیت‌ها ایجابی و الزامی است و در وضع حقوق اقلیت‌ها به جوانب (مادی و معنوی) انسان توجه شده است اما در اسناد بین‌المللی ضمن پررنگ جلوه‌دادن مرزهای بین گروه‌های اقلیت، حقوق اقلیت‌ها بر اساس اصالت فردی است و تعهدات دولت‌ها در معاهدات سلبی است.

واژگان کلیدی

حقوق اقلیت‌ها، مطالعه تطبیقی، امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، عهدنامه مالک‌اشتر، اسناد بین‌المللی.

*. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشگاه بوعلی سینا، (نویسنده مسئول).

h.taleghani@art.basu.ac.ir

haji598@basu.ac.ir

**. استاد گروه حقوق، دانشگاه بوعلی سینا،

۱. مقدمه

از ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری و پیدایش امتیازات اجتماعی، قوانینی تنظیم گردید تا در سایه این قوانین افراد جامعه از امتیازات خود بهره‌مند گردند، که در همه موارد (به غیر از مواردی که قوانین برخواسته از اراده الهی بود)، به علت طمع ورزی و یا کم‌اطلاعی قانون‌گذاران از ابعاد مختلف وجودی انسان، قوانین و مقررات به‌گونه‌ای بودند که همیشه طبقه خاصی از بیشترین امتیازات برخوردار بودند و در مقابل طبقات زیادی کم‌بهره و یا بهتر بگوئیم حتی از اولین حقوق و امتیازات انسانی خویش محروم بودند، یکی از طبقاتی که در جوامع بشری در طول تاریخ همواره دست‌خوش ناملایمات و ستم حکومت‌ها بودند طبقه یا گروه‌های اقلیتی است، که هیچ‌گاه در جوامع به عنوان طبقات دسته‌برتر به آنها توجه نمی‌کردند بلکه چون بردگان جزء طبقات فرودست محسوب می‌شدند تا این‌که حکومت نبوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغازین سال‌های ظهور اسلام در مدینه منوره ندای حمایت از اقلیت‌ها را سر داد «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید این‌ها ملاک امتیاز نیست، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است». (حجرات/۱۳)، و ادامه این نهضت را در حکومت پنج‌ساله علوی شاهد هستیم، امام علی علیه السلام در فرازی از عهدنامه مالک اشتر در این خصوص می‌فرماید: «(ای مالک) مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (نامه ۵۳). (البته هرگاه حکومت اسلامی توسط ناهالان غصب می‌شد ناگزیر احکام عالیه اسلامی من جمله قانون حمایت از اقلیت‌ها نیز نادیده گرفته می‌شد). و حال آن‌که جوامع غیر اسلامی قریب به هزار سال بعد از توجه اسلام به مساله حمایت از حقوق اقلیت‌ها، در سال ۱۵۵۵م اولین پیمان را در راستای حمایت از حقوق اقلیت‌ها را به امضاء رساندند (پانوش، ۱۳۹۳: ص ۴۴). و سپس به آن تکمله‌های متعددی اضافه نمودند که تا به امروز به چندین معاهده رسیده است.

۱-۱. بیان مسأله

پژوهش حاضر به مطالعه تطبیقی این مسئله یعنی حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی و نهج البلاغه و سیره امام علی علیه السلام می‌پردازد و مهم‌ترین امتیاز هر یک را می‌سنجد؛ با این هدف که برترین تمایز نظام

حقوقی الهی - علوی در احقاق حقوق اقلیتها با نظامی که در اسناد بین المللی انعکاس یافته و برگرفته از اراده جمعی افراد بشر است چیست؟!

۱-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص حقوق اقلیتها کتابها و مقالات ارزشمندی توسط محققین محترم به چاپ رسیده است که به برخی از موارد اشاره می کنیم:

مقاله « امام علی (علیه السلام) و حقوق اقلیتها » تألیف مرحوم آیه الله عباسعلی عمید زنجانی، فصلنامه کتاب نقد ۱۳۸۰ شماره ۱۸.

مقاله « بررسی حقوق اقلیت های دینی و جزیه در قرآن » نویسندگان آقای دکتر حسین خاکپور و خانم الهام السادات سادات حسینی، پژوهشنامه معارف قرآنی، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱۵.

کتاب « حمایت از اقلیتها در حقوق بین الملل » تألیف آقای دکتر ستار عزیزی.

در مقالات و کتاب فوق به بخشی از اقلیتها مانند اقلیت دینی اشاره شده است آن هم بدون مطالعه تطبیقی؛ اما در پژوهش حاضر ضمن پرداختن به تمامی انواع اقلیتها، مطالعه تطبیقی بین نظام الهی - علوی و نظامی که در اسناد بین المللی انعکاس یافته با هدف تبیین برترین تمایز این دو نظام صورت گرفته است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهش حاضر از دو جهت دارای ضرورت است: ۱- پیشتازی نظام الهی - علوی یعنی؛ هزار سال پیش تر از سایر جوامع به حقوق اقلیتها توجه شده است

۲- نقاط نقوت حقوق اقلیتهای نظام الهی - علوی نظیر اینکه تعهدات حقوقی نسبت به اقلیتها ایجابی و الزامی است.

۲. بحث

۲-۱. واژه شناسی

۲-۱-۱. حقوق

حقوق جمع حق در لغت به معنای راست کردن سخن، ثابت شدن، غلبه پیدا کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۱۷/۲، ص ۷۴۷). ضد باطل، عدل، مال و ملک،

حظ و نصیب، موجود ثابت (معلوف، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۰۸). معانی متعددی که برای حق در لغت آورده شده همگی معنای ثبوت را در خود نهفته دارند. معادل واژه حق در زبان انگلیسی واژه "right" می‌باشد. واژه حق در حوزه‌های مختلف از جمله در علوم حقوق، فقه، اخلاق و سیاست کاربرد وسیعی دارد. اما درباره معنای اصطلاحی حق در علم حقوق باید گفت: تعریف اصطلاحی و حد گذاری و تحدید ماهوی آن ممکن نیست چون واژه حق در این اصطلاح از مفاهیم اعتباری است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ص ۷۴-۷۵).

بنابراین تعریفی که مورد نظر اتفاق همه‌ی محققین باشد وجود ندارد. از آنجا که دیدگاه اسلام، منشأ حق اراده تشریحی خداوند متعال است در این نوشتار تعریف ذیل پیشنهاد می‌گردد:

«امتیازی که برخاسته از قوانین اجتماعی الهی یا برگرفته از حقوق موضوعه باشد، برای فردی یا جامعه‌ای، بر دیگری یا شی‌ای، و قوانین اجتماعی الهی یا حقوق موضوعه آن را از طرق گوناگون تضمین کرده باشد».

همان‌طور که پیداست در این تعریف به پنج عنصر در مورد حق اشاره شده است:

۱. صاحب حق (اعم از فرد و جامعه)، ۲. متعلق حق (امتیاز)، ۳. کسی یا شی‌ای که حق بر اوست، ۴. منشأ حق ۵. طرق تضمین برای وصول به حق.

۲-۱-۲. اقلیت

اقلیت مصدر جعلی است، از ماده قل به معنی کمتر (سیاح، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۳۴۷). در مورد معنای اصطلاحی برخی معتقدند در مورد اقلیت، تعریف واحد و عموماً پذیرفته شده‌ای وجود ندارد و همین امر برخی از دولت‌ها را بر آن داشته تا پیشنهاد کنند واژه اقلیت حذف و به جای آن گروه‌های ملی، قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی استفاده شود (Irener, 1991: pp8&10). با این وجود نگارندگان تعریف ذیل را از میان تعاریف پیشنهاد می‌کند:

بر مبنای مطالعه دبیر کل سازمان ملل تحت عنوان تعریف و طبقه‌بندی اقلیت‌ها در ۱۹۴۹م، کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها در سال ۱۹۵۴م مفهوم اقلیت را بدین شرح توصیف نموده: «واژه اقلیت فقط شامل آن دسته گروه‌های غیر حاکمی می‌شود که دارای ویژگی‌ها و خصائص کاملاً متفاوت و پایدار، قومی، مذهبی یا زبانی نسبت به بقیه جمعیت بوده و اراده‌شان بر حفظ این ویژگی‌ها قرار گرفته است» (زمانی، ۱۳۸۴: ص ۱۵۲). بر این اساس عناصر سازنده اقلیت‌ها سه چیز است:

۱- کمیت غیر حاکم، بنابراین اکثریت خارج می‌شود گرچه اکثریت غیر حاکم باشد. چرا که اعضای اکثریت حمایتی خاص را برای برخورداری از فرهنگ خود لازم ندارند آنچه که آن‌ها واقعاً بدان نیاز دارند تضمین حقوق دمکراتیکشان است و به محض اینکه اصل یک انسان یک رای محقق و حاکم شود با موفقیت خصائص خود را عینیت خواهد بخشید؛

۲- ویژگی‌های و خصائص متفاوت از اکثریت؛

۳- اصرار بر حفظ این ویژگی‌ها خصائص.

بنابراین مقصود از حقوق اقلیت‌ها عبارت است از: امتیازات حقوقی، سیاسی و اجتماعی برای گروه‌های غیر حاکمی که ویژگی‌های متمایز نسبت به بقیه جمعیت داشته و سعی بر حفظ آنها دارند.

۲-۲. حقوق اقلیت‌ها بر اساس اسناد بین‌المللی

۲-۲-۱. انواع اقلیت‌ها

در اسناد بین‌المللی از چهار نوع اقلیت بحث شده است که عبارتند از:

۱- اقلیت دینی که مشهورترین و پرسابقه‌ترین و پرچالش‌ترین نوع از اقلیت‌ها است؛

۲- اقلیت ملی؛

۳- اقلیت نژادی؛

۴- اقلیت زبانی (مهرپور، ۱۳۷۷: صص ۳۸-۴۹).

اقلیت دینی یعنی؛ گروه‌هایی که مذهب آنها در یک کشور به عنوان مذهب رسمی شناخته نشده یا اکثریت مردم بدان نپیوسته اند (ermacora, 1983: p280). نکته قابل توجه اینکه واژه دین در این اصطلاح در غرب معنای عامی دارد و هم شامل ادیان الهی نظیر یهود و اسلام می‌شود و هم شامل ادیان غیر الهی نظیر هندوئیسم، بودیزم و حتی بت پرستی است.

اقلیت ملی: یعنی افرادی که در عین اینکه تابعیت کشور محل سکونت خود را دارا هستند دارای ریشه‌های ملی مشترکی با کشور دیگری می‌باشند نظیر اقلیت لیتوانی در روسیه، اقلیت اتریشی تبار تایرل جنوبی ساکن ایتالیا و اقلیت ایرانی ساکن ایالات متحده آمریکا و کانادا و نمونه‌های از این اقلیت‌های ملی هستند که اطلاق مهاجر بر این افراد صحیح نیست چون یا خود یا پدران‌شان تابعیت کشور محل سکونت را کسب کرده اند (لسانی، ۱۳۸۲: ص ۱۸۲).

اما راجع به تعریف اقلیت نژادی در کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ میلادی تعریفی از نژاد ارائه نمی‌دهد اما در ماده یک تبعیض نژادی را چنین تعریف

می‌کند: «در قرارداد حاضر اصطلاح "تبعیض نژادی" اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که براساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد» (www.unic-ir.org/hr/convenant-elimination.htm)

اقلیت زبانی: در بیانیه جهانی حقوق زبانی که توسط مؤسسات و تشکیلات غیر دولتی به امضاء رسیده در ماده یک این بیانیه اقلیت زبانی را این طور تعریف می‌کند: «هر جامعه انسانی که به لحاظ تاریخی در محیط سرزمینی معینی^۱ فارغ از به رسمیت شناخته شدن و یا نشدن آن سکنی گزیده و خود را به عنوان یک توده با هویت واحد دانسته و زبان مشترکی را به عنوان وسیله‌ای طبیعی برای ارتباط و هم بندی فرهنگی بین اعضای آن توسعه داده است. تعبیر "زبان خاص یک سرزمین" (زبان نیاخاکی) به زبان جمعیتی که به شرح فوق در همچو محیطی سکنی گزیده باشد اطلاق می‌شود» (www.humanrights-iran.ir/news-16758.aspx)

اما چگونگی پیدایش اقلیت‌ها مهم‌ترین عامل در پیدایش گروه یا گروه‌هایی به نام اقلیت در کشورها مرزهای سیاسی (تجزیه و انضمام سرزمین‌ها) و مهاجرت‌ها و همچنین گرایش افراد به دین و مذهب جدید یا پیدایش دین‌های جدید است.

اقلیت‌های زبانی، تا قبل از قرن بیستم اقلیت محسوب نمی‌شدند از قرن نوزدهم به بعد زبان‌های که بوسیله دولت‌ها حمایت می‌شدند کم‌کم رو به گسترش گذاشته و غیر از حمایت‌های دولتی حمایت‌های فکری در قالب ناسیونالیسم و لیبرالیسم نیز راه را بر این گسترش هموارتر نمود و همچنین اجباری شدن تحصیلات در برخی کشورها نیز مزید بر علت شد (vieuvez, 2001 : p6).

۲-۲-۲. ماهیت حقوق اقلیت‌ها در سند بین المللی بر اساس اصالت فردیست

در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است در کشورهایی که اقلیت‌های قومی مذهبی یا زبانی وجود دارند اشخاص متعلق به اقلیت‌های مذکور را نمی‌توان از این حق محروم کرد... به این لحاظ منطوق ماده فوق مبین آن است که حمایت مذکور نه به گروه‌های اقلیت بلکه به اشخاص متعلق به اقلیت‌ها اعطاء شده است.

برمطلب فوق سه موید وجود دارد که به صراحت اصالت فردی را در حمایت از حقوق اقلیت‌ها بیان

می‌کند:

۱- در مذاکرات مربوط به ماده ۲۷ نماینده شوروی (سابق) پیشنهاد نمود که تعهد دولت‌ها در این مورد معطوف به حمایت از جوامع اقلیت شود که این پیشنهاد از طرف اکثریت رد شد (14: p 1985, tomuschat).

۲- موبد دیگر بر هویت فردگرایی حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین المللی این که کمیته حقوق بشر تاکنون شکایات مطروحه زیادی را در مورد نقض ماده ۲۷ میثاق مدنی و سیاسی رد کرده است اما نه بر مبنای فقدان صلاحیت موضوعی و مادی بلکه به علت صلاحیت شخصی، در واقع اجازه نیافته ادعایی را تحت نام گروهی از اشخاص بدون داشتن نمایندگی از جانب آن‌ها طرح کند (ermacora, 1983: p 284).
۳- در فرم تنظیم شکایت برای کمیته حقوق بشر آمده: «نماینده یا مشاور حقوقی او یا عنوان دیگر که باید توضیح داده شود چه صلاحیتی برای طرح شکایت دارد و چرا خود شاکی نمی‌تواند طرح شکایت کند؟» (مهرپور، ۱۳۷۷: ص ۷۴).

۲-۲-۳. تعهد دولت‌ها در حمایت از اقلیت‌ها در غرب سلبی است

در ماده ۲۷ مذکور در میثاق ابراز نمی‌دارد که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حقوق معین را خواهند داشت بلکه می‌گوید: که آن‌ها از این حق محروم نخواهند شد. منطوق ماده ۲۷ مبین آن است که تعهد دولت‌ها در این مورد تعهد سلبی است یعنی؛ الزام به خودداری از انجام کارهای خلاف این حقوق است و دولت‌ها به هیچ وجه تعهدی اثباتی برای اتخاذ اعمال معین و مثبت در این مورد را ندارند. سیاق سلبی این ماده آگاهانه انتخاب شده است در طرح پیش‌نویس پیشنهادی شوروی (سابق) این عبارت آمده بود که؛ دولت‌ها برای اقلیت‌های ملی حق استفاده از زبان بومی حفظ مدارس ملی کتابخانه‌ها موزه‌ها و دیگر نهادهای فرهنگی و آموزشی‌شان را تضمین کنند، شوروی (سابق) و هم پیمانانش از موضع فوق دفاع می‌کردند سایر نمایندگان از پذیرش تحمیل هزینه ای به این سنگینی بر دولت‌ها یشان اباء داشتند. (49- 48 pp : tomuschat, 1985).

۲-۳. انواع حقوق اقلیت‌ها

در اسناد بین المللی دو نوع حقوق برای اقلیت‌ها برشمرده اند دسته اول حقوق عام یعنی؛ حقوقی که شامل تمام انواع اقلیت‌ها می‌شود و دسته دوم حقوق انحصاری که هر نوع از اقلیت‌ها از حقوق خاصی برخوردارند گرچه در بعضی از این حقوق انحصاری تداخل هم وجود دارد اما چون بحث تحلیلی است مانعی ندارد.

۱-۳-۲. اهم مصادیق حقوق عام اقلیت‌ها

۱- حق برابری با اکثریت: در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ضمن اشاره صریح به واژه اقلیت می‌گوید: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی زبانی و مذهبی وجود دارند اشخاصی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند، نباید حقوقشان در برابر سایر افراد جامعه انکار شود» (ibid). سخن از برابری حقوق اقلیت‌ها با اکثریت جامعه است و اینکه نمی‌توان حقوق اقلیت‌ها رو نادیده گرفت.

۲- حق بر خورداری از تحصیلات بر اساس ویژگی اقلیتی: تحصیل حق تمامی مردم و همه اتباع یک کشور است، با این تفاوت که تحصیل در مورد اقلیت‌ها باید دارای ویژگی‌های خود باشد از جمله استفاده از زبان اقلیت‌ها، آموزش تاریخ و فرهنگ اقلیت‌ها، آموزش مذهبی آنان و... به هر حال واضح است که تحصیلات یک عنصر بی‌نهایت مهم برای حمایت و عمیق کردن ویژگی‌های شخصیتی اقلیت هاست. این حق طبق بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است (www.unic-ir.org/hr/convenant-cp.htm)

۳- حق ارتباط با سایر اقلیت‌ها؛ طبق بنده ماده ۲ بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها که می‌گوید: "افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند که بدون هیچ تبعیض و اجحافی تماس‌های آزادانه و صلح آمیز خود را با اعضاء دیگر گروه خود و با افراد دیگری که به اقلیت آنان تعلق دارند برقرار نموده و ادامه دهند و هم چنین با اتباع ملل هم‌مرز که با آنان قرابت ملی قومی و یا مذهبی و زبانی دارند تماس داشته باشند" (ibid) حق اقلیت‌هاست که بتوانند به راحتی به ورود و خروج از کشور باهم در ارتباط بوده و مثلاً در مراسم یکدیگر شرکت کنند.

۴- حق مشارکت در اداره منطقه محل زندگی؛ اقلیت‌ها زمانی احساس آرامش خواهند کرد که در منطقه محل زندگی‌شان مشارکت داشته باشند و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای براساس ویژگی‌های آنان باشد، این مسئله در بند ۳ ماده ۲ بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها آمده است (ibid).

۵- آزادی عقیده، بیان و آزادی‌های مرتبط با آن؛ همچون آزادی مطبوعات و... در واقع یکی از مرزهای روشن بین نظام‌های مردم‌سالار و نظام‌های خودکامه تلقی می‌شوند، این حق در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد آزادی عقیده و بیان اشعار می‌دارد: "هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد" (ibid).

۲-۳-۲. اهم مصادیق حقوق انحصاری اقلیت‌ها

۱-۲-۳-۲. اقلیت‌های دینی:

- ۱- حق حیات (علت ذکر حق حیات به خصوص در مورد اقلیت‌های دینی بجهت دلیل تاریخی است نظیر قتل عام یهودیان در جنگ جهانی اول)؛
- ۲- حق اشتغال و استخدام؛
- ۳- حق سکونت؛
- ۴- حق انجام مراسم دینی؛
- ۵- اعلان مذهب؛
- ۶- آزادی تغییر مذهب (به ترتیب، بند ۱ ماده ۶، بند ۲ ماده ۲۵، بند ۱ ماده ۱۲ و بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ibid) .

۲-۳-۲-۲. حقوق انحصاری اقلیت‌های ملی:

- ۱- آزادی اجتماعات و سندیکائی؛
 - ۲- حق تاسیس موسسات فرهنگی؛
 - ۳- دولت‌ها حق تغییر نسبت جمعیت در مناطق اقلیت نشین را ندارند (به ترتیب بند ۴ ماده ۲، بند ۲ ماده ۲، بند ۱ ماده ۱، بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی نژادی مذهبی و زبانی (ibid) .
- ۳-۲-۳-۲. حقوق انحصاری اقلیت‌های نژادی:

در کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در ماده ۵ حقوقی برای اقلیت نژادی بر می‌شمرد «دول عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در ماده ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتی که باشد ممنوع و ریشه کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین نمایند.

الف — حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند؛

ب — حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه جسمی از ناحیه مأمورین دولت و یا هر فرد یا دسته یا تشکیلات؛

ج — حقوق سیاسی و به خصوص حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و نامزد شدن براساس سیستم اخذ رأی همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و اداره امور عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی دولتی به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی؛

د- حقوق مدنی؛

ه- حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی- (www.unic-ir.org/hr/convention-elimination.htm)

۴-۲-۳. حقوق انحصاری اقلیت‌های زبانی:

۱- تحصیل به زبان مادری (زبان مادری نخستین زبانی است که شخص توسط آن با جهان اطراف خود آشنا می‌شود به جهت حمایت از زبان مادری یونسکو و سازمان ملل به پیشنهاد بنگلادش در سال ۱۹۹۹م روز ۲۱ فوریه را روز زبان مادری نامیده است)؛

۲- امکان تاسیس موسسات آموزشی زبان اقلیتی؛

۳- دریافت قوانین و مقررات به زبان مادری (به ترتیب، بند ۴ ماده ۴، بند ۲ ماده ۲، بند ۳ ماده ۴، بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی نژادی مذهبی و زبانی- (www.humanrights-iran.ir/news.aspx?id=16741).

۴- حق کاربرد زبان اقلیتی در محافل عمومی،

۵- حق کاربرد زبان مادری در برابر مقامات اداری و قضائی (به ترتیب، بند ۲ ماده ۱۹، بند «و»

ماده ۱۴، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (www.unic-ir.org/hr/convention-cp.htm)

۳-۲. اهرم‌ها و راهکارهای حمایتی از اقلیت‌ها در اسناد جهانی

در اسناد دو راهکار وجود دارد: الف- راهکار مستقیم ب- راهکار غیر مستقیم

راهکار مستقیم

۱- نظام گزارش که کشورهای عضو میثاق از سال ۱۹۷۷م (زمان لازم الاجراء شدن میثاق) ملزم به ارائه گزارش به کمیته حقوق بشر شده اند.

۲- نظام اختیاری حل اختلافاتی که کشورها در خصوص تعهدات ناشی از میثاق‌ها به وجود می‌آیند (میانجیگری - سازش - ارجاع اختلاف به کمیته).

۳- نظام بررسی شکایات ارجاعی افراد به کمیته در مورد این امر که حقوق اعطاء شده بدان‌ها در چارچوب میثاق حقوقی مدنی و سیاسی نقض شده است.

و راهکار غیر مستقیم عبارت از فعالیت‌های تقنینی و وضع استانداردها، آموزش و ارائه خدمات مشاوره‌ای و انتشار اسناد و کتب (ermacora, 1983, p 301).

۴-۳-۲. وظائف اقلیت‌ها در برابر حکومت‌ها

مهم‌ترین وظیفه‌ی اقلیت‌ها در برابر دولت‌ها وفاداری است، و از موقعیت ممتاز خود به عنوان مجوزی برای نقض مقررات داخلی دولت ذی ربط سوء استفاده نکند. در قطننامه ی ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۲ م ضمن حمایت، وظیفه‌ی اشخاص متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی، یا زبانی را نیز جهت همکاری به عنوان یک شهروند وفادار در کنار ملتی که بدان تعلق دارند مورد تاکید قرار می‌دهد. نکته بسیار مهم شرط وفاداری باید نتیجه رفتار دولت‌ها باشد نه پیش شرط آن (tomuschat, 1985 : p 60).

۴-۲. حقوق اقلیت‌ها در نظام الهی - علوی

۴-۱-۲. تاریخچه حمایت از حقوق اقلیت‌ها

سابقه حمایت و تعامل با اقلیت‌ها در نظام الهی - علوی انعکاس یافته در نهج البلاغه به سال‌های اول حکومت پیامبر اکرم اسلام ﷺ یعنی به چهارده قرن پیش می‌رسد، پیامبر اسلام ﷺ در همان ابتدا ورود با یهودیان بنی قینقاع پیمان قرار نامه یا آنچه که صحیفه نامیده شده می‌بندد (جعفریان، ۱۳۸۵: ص ۵۰۳) و بعد از کار شکنی‌های فراوان یهودیان، ایشان بنابر دستورات الهی قانون جدیدی را به نام قرارداد ذمه برای نحوی تعامل و حمایت از اقلیت‌های دینی وضع می‌کنند که آیات و روایات فراوانی هم در این زمینه در قرآن کریم و نهج البلاغه وجود داد:

۱- «جزیه را به دست خود پردازند» (توبه/۲۹) که اشاره است به همین قرار داد ذمه با اقلیت‌های دینی در مقابل دریافت جزیه. جزیه "از ماده" جزاء" به معنی مالی است که از غیر مسلمانان که در پناه حکومت اسلامی قرار می‌گیرند گرفته می‌شود و این نامگذاری به خاطر آن است که آن را به عنوان "جزاء در برابر حفظ مال و جانشان" به حکومت اسلامی می‌پردازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۳۷۴).

۲- امام علی علیه السلام در فرمایشی پیرامون تأمین مالی اقلیت‌ها دینی می‌فرماید: «برای وی (شخص مسیحی) از بیت المال مستمری قرار دهید» (شیخ حر عاملی، ۱۹۰۴: ج ۱۵، ص ۶۶) و بر این اساس باب وسیعی در فقه اسلام به نام احکام اقلیت‌ها دینی (حقوق اقلیت‌ها) گشوده شد (۱). اقلیت‌های دینی در کنار مسلمانان همواره بطور مسالمت آمیز و آزاد زندگی داشته اند، در حالی که در سال ۱۶۸۸ م پارلمان انگلستان مذهب رسمی کشور را پروتستان اعلام نمود و مقرر داشت که هیچ مسیحی کاتولیک حق ندارد در قلمرو انگلستان به مراسم مذهبی خود عمل کند (عمیدزنجانی، ۱۳۷۰: ص ۱۰).

۱. ر. ک: وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۵ ص ۱۲۸، ج ۱۹ ص ۳۱۲، ج ۲۰ ص ۵۴۵، ج ۲۴ ص ۲۰۳، ج ۲۷ ص ۲۹۷، ج ۲۸ ص ۲۰، ج ۲۹ ص ۲۱۸ و.....

۳- حضرت علیه السلام در عهدنامه خویش با مالک اشتر آنجا که طبقات هفتگانه اجتماعی را برمی شمرد یکی از طبقات را اهل جزیه (اقلیت‌های دینی) نام می‌برد و می‌فرماید: «ای مالک) بدان مردم یک کشور از گروه‌های متعددی تشکیل یافته اند... و قشری دیگر اهل جزیه و خراج از غیر مسلمانان هستند که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند» (نامه/ ۵۳).

۲-۴-۲. زدودن مرزهای بین اقلیت‌ها

آیا در نظام الهی - علوی چنین طبقه بندی راجع به اقلیت‌ها وجود دارد؟ در این نظام ضمن احترام به انواع اقلیت‌ها چنین طبقه بندی مشاهده نمی‌شود؛ چون اسلام در پی ایجاد جامعه یگانه (امت واحده) ایست که فارغ از تمایزات ملیتی، مرزهای جغرافیایی، نژادی و قومی می‌باشد، و الغای این دسته از خصوصیات، امتیازات زبانی، قومی و ملی که باعث برتری جوئی و تفاخر می‌باشد از اهداف اساسی اسلام در جهت زدودن بی عدالتی و تبعیض‌های ناروا می‌باشد که در این زمینه به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کنیم:

۱- كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (بقره/ ۲۱۳) بر اساس آیه اصل در زندگی بشری اتحاد و نادیده گرفتن هر گونه اختلاف است و اختلاف در امور زندگی بعد از وحدت و اتحاد ناشی شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۸۶).

۲- «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست،) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است» (حجرات/ ۱۳)

از این آیه شریفه نفی و ردّ تفاخر به انساب و نژادها و طبقات را استفاده می‌کنند و آیه می‌گوید این اختلاف در شعوب و قبائل صرفاً برای اینکه یکدیگر را بشناسید و امر اجتماعتان و مواصلاتتان و معاملاتتان بهتر انجام گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ص ۴۸۸).

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه مکرمه فرمودند: خداوند کبر و نخوت جاهلی و تکبر به پدران را از بین برده همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک بود و برترین شما، باتقواترین شماست، و همه افتخارات گذشته را زیر پایم گذاشتم (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲، ص ۸۹).

۴- جابر می‌گوید نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در آخرین سفر حج خطاب به مردم فرمودند: ای مردم بدانید که خداوند شما واحد است و پدر شما واحد است و هر گونه نژادپرستی نفی می‌کنند و همه را تحت یک پرچم واحد دعوت می‌کنند و تنها ملاک فضیلت را تقوی بیان می‌کنند (کراچکی، ۱۴۰۸: ص ۲۱) حتی

قرآن اقلیت دینی اهل کتاب را (تنها اقلیتی که پذیرفته است) نیز دعوت به مشترکات (توحید و یکتا پرستی) می‌کنند و از آنها می‌خواهد به مشترکات بین اسلام و خودشان توجه کنند (آل عمران/ ۶۴ - عنکبوت/ ۴۶).

ادیان الهی

بر اساس آنچه که تاکنون گفته شده روشن است، در میان انواع اقلیت‌ها، اسلام فقط به اقلیت دینی قائل است، البته آن هم با بیانی متفاوت از آنچه را که در اسناد بین المللی وجود دارد، که آن هم بر می‌گردد به تفسیری که اسلام از دین یا بهتر بگوئیم دین حق دارد، دین را فقط منحصر در ادیان الهی می‌داند. براین اساس اقلیت دینی در اسلام شامل ادیان زردشت، یهود و مسیحیت می‌شود که در اصطلاح به این گروه اقلیت دینی، اهل کتاب گفته می‌شود و قرارداد ذمه فقط با اهل کتاب منعقد می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۷۰: ص ۷۵-۷۶).

ادیان غیر الهی

البته این به این معنا نیست که در اسلام پیروان سایر مذاهب و فرقه موجود هیچ حق و حقوق ندارند؛ بلکه آنها هم در کشور اسلامی می‌توانند زندگی کنند و از حقوق انسانی و شهروندی خود بر خوردار باشند، اما از حقوق خاصی که اسلام برای اقلیت‌ها برشمرده نمی‌توانند استفاده کنند، در قرآن خداوند راجع به کفار مکه در سوره ممتحنه می‌فرماید:

وَتَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ حُبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه/ ۸).

پس اسلام به هیچ گونه طبقه بندی اقلیتی قائل نیست و تنها اقلیت دینی را برسمیت می‌شناسد و حتی این نوع اقلیت را هم بیگانه از امت اسلام نمی‌داند. بر مبنای این آزاد اندیشی اسلامی است که اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره ۱۴۱۱ق) در ماده ۱ مقرر می‌دارد: «بشر به طور کلی، یک خانواده است که بندگی خداوند و فرزند آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی تکلیف و مسؤولیت برابرند، بدون هیچگونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی، وضع اجتماعی، وغیره» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۰: ص ۱۸۷)

در دوران معاصر، جوامع اسلامی در یک مقطع زمانی به طور نسبی و در حد یک ضرورت، انواع اقلیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و برخی از اسناد بین المللی را که به نحوی به حقوق اقلیت‌ها و عدم تبعیض در مورد آنها پرداخته‌اند، مورد تصویب قرار داده است و به اجرای آنها متعهد است از جمله می‌توان اسناد زیر را برشمرد: ۱- منشور ملل متحد؛ ۲ - میثاق بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ۳- کنوانسیون بین المللی منع مجازات ژنوساید؛ ۴- کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض نژادی؛ ۵- کنوانسیون حقوق کودک؛ ۶- مقاله نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین المللی؛ ۷- کنوانسیون رفع تبعض در امر تعلیمات (یونسکو) (مهرپور، ۱۳۷۷: ص ۴۰۹-۴۱۰).

۳-۴-۲. ماهیت حقوق اقلیت‌ها

ماهیت حقوق اقلیت‌ها در نظام الهی - علوی نه بر اساس اصالت فردیست و نه بر اساس اصالت جمعی است بلکه براساس آیات شریفه ۷ / سجده، ۲۹ / حجر، ۳۵ / بقره، ۳ / دهر و فرمایش امام علی (علیه السلام) «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند یا همکیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش.» (نامه ۵۳) این نتیجه به دست می‌آید که در وضع قوانین در اسلام به تمام ابعاد انسان؛ چه بعد فردی، جمعی و چه بعد جسمانی و معنوی توجه شده است.

۴-۴-۲. تعهد نظام الهی - علوی در حمایت از اقلیت‌ها ایجابی است

بر اساس فرمایش امام علی (علیه السلام) «ای مالک) بدان مردم یک کشور از گروه‌های متعددی تشکیل یافته اند... و قشری دیگر اهل جزیه و خراج از غیر مسلمانان هستند که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند هر یک را خداوند سهمی معین کرده و میزان آن را در کتاب خود و سنت پیامبرش ﷺ بیان فرموده و دستوری داده که در نزد ما نگهداری می‌شود» (نامه ۵۳) و مصادیقی که به عنوان حقوق برای اقلیت‌ها شمرده می‌شود، روشن می‌گردد که تعهد اسلام در حمایت از حقوق اقلیت‌ها ایجابی و الزام آور است یعنی؛ حکومت اسلامی موظف است شرائط لازمه را جهت ایصال اقلیت‌ها به حقوقشان را فراهم کند.

۵-۴-۲. در قرارداد ذمه پیش شرطی وجود ندارد

همانطور که اشاره شد به جهت تحکیم وحدت در جامعه اسلامی، اسلام فقط اقلیت دینی را به رسمیت می‌شمرد، بنابراین منظور از حقوق اقلیت‌ها در اینجا فقط شامل حقوق اقلیت‌های دینی می‌شود، که براساس انعقاد قراردادی بین حکومت اسلامی و اقلیت‌های دینی به نام «ذمه»، حکومت اسلامی در مقابل دریافت مالیات (جزیه) و تعهد به دیگر مفاد پیمان ذمه از طرف اقلیت‌های دینی، ملزم به رعایت این حقوق می‌باشد (شیخ طوسی، ۱۴۱۲: ص ۴۴).

البته این تعهدات از طرف اقلیت‌های دینی به عنوان پیش شرط نیست؛ بلکه این قرارداد کاملاً دو طرفه می‌باشد و حتی قرارداد «ذمه» از طرف مسلمین الزامی است و مسلمانان تا وقتی که ذمیان به قرارداد خود احترام می‌نهند هیچگاه نمی‌توانند آن را فسخ و یا از تن دادن به شرایط آن سرباز زنند مرحوم

علامه حلی در تذکرة الفقهاء این مطلب را در یک عبارت کوتاهی چنین بیان می‌کند: «... عقد ذمه از طرف افراد غیرمسلمان به طور دائمی الزام آوار نیست زیرا آنان می‌توانند هرگاه بخواهند به سرزمین خودبپیوندند» (علامه حلی، بی تا: ج ۱، ص ۴۳۸) (۱) و این مطلب در سیره پیامبر اسلام ﷺ کاملاً مشهود و حقوق سایر اقلیتها در عصر حاضر در کشور جمهوری اسلامی ایران بواسطه پذیرش اسناد بین المللی مربوط به حمایت از حقوق اقلیتها توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعهد شده است.

۶-۴-۲. اهم مصادیق حقوق اقلیتهای دینی در نظام الهی - علوی

۱- حق موجودیت، اولین حقی که اسلام برای اقلیتها بر می‌شمرد حق موجودیت است که در واقع اساس سایر حقوق است، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در نامه پیش گفته به مالک اشتر (رضی الله عنه) می‌فرماید: «جامعه از گروه‌های گوناگونی می‌باشند... واز آن قشرها اهل کتاب هستند» (نامه ۵۳/۵) که حضرت اقلیتهای دینی را در ردیف سایر افراد جامعه اسلامی قرار می‌دهد و موجودیت آنها در جامعه اسلامی به رسمیت می‌شناسد.

۲- حق حیات، برخورداری از حیات و زندگی حقی است که قرآن به آن پرداخته است (انعام/۱۵۱) احترام خون انسانها و حرمت قتل نفس از مسائلی است که همه شرایع آسمانی و قوانین بشری در آن متفقند و آن را یکی از بزرگترین گناهان می‌شمرند، ولی اسلام اهمیت بیشتری به این مسأله داده است تا آنجا که قتل یک انسان را در آیه ۳۲ مائده همانند کشتن همه انسانها شمرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ص ۱۰۵).

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در حدیثی که منسوب به ایشان است می‌فرماید: «دماؤهم کدمائنا» (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴: ج ۱۷، ص ۱۴۸) خون ذمی مانند خون مسلمان محترم است و کسی نمی‌تواند بدون دلیل آن را بریزد.

۳- برخورداری از حمایت‌های عاطفی حکومت، امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر (رضی الله عنه) توصیه به مهرورزی و نفی خشونت و تند خوئی نسبت به تمام افراد جامعه چه مسلمان و چه غیر مسلمان می‌کنند و، می‌فرماید چرا که اینها «یا برادران دینی تو هستند و یا چون تو انسانند» (نامه ۵۳/۵). و همچنین می‌فرماید: «هیچ نوع عواطف و الطافی را که در خلال تعهدات خود نسبت به اقلیتها پذیرفته‌اید اندک

۱. ر. ک. سیره ابن هشام ج ۱، ص ۵۰۳.

شمارید و هرچند این عواطف ناچیز باشد، مهم است، هرگز ذمه خود را معذور ندارید و به تعهدات خویش خیانت نوزید» (همان).

۴- احترام گذاردن به عقاید اقلیت‌های دینی، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خدای سبحان اراده فرمود پیروی از پیامبران و تصدیق کتب آسمانی را» (خطبه ۱۹۲/۱) که این فرمایش امام (علیه السلام) در راستای این آیات ۳ و ۴ آل عمران می‌باشد که مبین احترام به عقاید اقلیت‌های دینی است و بالاتر از این حتی به علمای اقلیت‌های دینی اجازه داده شده تا درباره اعتقاداتشان با علمای اسلام به بحث و مناظره بپردازند و در این رابطه در قرآن آمده است «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت / ۴۶).

۵- احترام و صیانت معابد، در قرآن کریم یکی از اهداف جهاد اسلامی را صیانت از عبادتگاه‌های اهل ذمه بیان می‌کند «و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد!» (حج / ۴۰) و علاوه بر این که اقلیت‌های دینی می‌توانند در کشور اسلامی طبق ضوابطی به تاسیس معابد جدید بپردازند (شیخ طوسی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۴۵-۴۶).

۶- انجام مراسم و مناسک عبادی، از مطالب ارائه شده در دو بند گذشته به خوبی می‌توان به آزادی اقلیت‌ها در انجام مراسم و مناسک عبادی شان در اسلام پی برد.

۷- آزادی عقیده یا آزادی ترویج عقیده؟ از نظر اسلام آزادی در امر عقیده ثابت است اما در قوانین (اجتماعی) اسلامی نه نفیاً و نه اثباتاً قانونی در مورد عقیده وجود ندارد، چون موضوع حقوق (اجتماعی) رفتارهای اجتماعی است و قوانین برای تنظیم روابط اجتماعی وضع می‌شوند اموری که صرفاً جنبه فردی و شخصی دارند و صدر صد در قلمرو خصوصی زندگی افراد واقع می‌شود ارتباطی به حقوق ندارند، این گونه امور در حوزه اخلاق قرار می‌گیرد و آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره / ۲۵۶) به همین مطلب است که دین چون یک امر قلبی و نفسانی است اصولاً اجبار بردار و اکراه بردار نیست، بله آن هنگام که عقیده اظهار گردد تبلیغ و ترویج شود و تلاش به عمل آید تا دیگران را جذب آن عقیده کنند این جا وارد حیطه رفتار اجتماعی می‌شود، اگر این عقیده، عقیده باطل باشد و موجب انحراف فکری افراد و تضعیف مصالح انسانی آنها گردد قانون گذار می‌تواند جلوی ترویج آن را بگیرد اگر کسی خودش عقیده ای در دل داشته باشد یا فقط همین مقدار بگوید که من عقیده ه ام این است و هیچ در مقام ترویج و تبلیغ آن بر نیاید کسی با آن کار ندارد، برخورد و منع و تعقیب، زمانی است که شخص در مقام ترویج عقیده باطل و

در پی اضلال و اغوای دیگران بر آمده باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۷) امام علی علیه السلام در جمله ای کوتاه به تمامی مطالب گفته شده اشاره می کنند: «الناس کلهم احرار» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۴۳). آری همه انسانها آزادند. نتیجه اینکه اصلاً آزادی عقیده جزء موضوعات حقوق اجتماعی قرار نمی گیرد و اساساً اسلام کاری به عقاید افراد ندارد، اما آزادی تبلیغ و یا ترویج عقاید در صورتی که آن عقیده باطل نباشد و موجب انحراف فکری افراد و تضعیف مصالح انسانی نگردد مانعی ندارد.

۸- امنیت عرضی، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: هر کس بیرون مذاهب دیگر را که در ذمه اسلام قرار دارند، تهمت بزند، در روز قیامت با تازیانه های آتشین مجازات خواهد شد (بلاغی، ۱۳۷۰: ص ۵۷) بر این اساس کسی حق ندارد به حریم آبرو اقلیت های دینی تجاوز کند و حتی در فقه برای کسی که به یک اقلیت دینی تهمت بزند تنبیه و تعزیر در نظر گرفته شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۷۹۲).

۹- امنیت اقتصادی و مالی، نظام کلی اقتصاد اسلامی بر اساس احترام به مالکیت فردی استوار شده و انواع فعالیت های اقتصادی و روابط بازرگانی بر این مبنا تنظیم گردیده است. اسلام بر اساس اصل مزبور مالکیت اقلیت های دینی را محترم می شمرد و کسی حق ندارد بدون مجوز قانونی در این زمینه دخالت کند، امام علی علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «اینان (اهل کتاب) که با ما پیمان بسته اند، بدان سبب به ما جزیه می پردازند که تحت حمایت ما، اموالشان مانند اموال ما، و خونشان مانند خون ما محترم و مصون باشد» (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴: ج ۱۷، ص ۱۴۸)

حتی در صورت خیانت هم مصونیت مالی دارند به این معنا که کسی حق ندارد تمام اموالش را مصادره کند بلکه فقط آن قسمت از اموال مصادره می شود که در جهت خیانت و ضربه زدن به کشور اسلامی استفاده شده است، امام علی علیه السلام در نامه ای به کارگزاران بیت المال در عهدنامه مالک اشتر می فرماید: «به مال کسی نماز گذار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است دست اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه ای که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته است» (نامه ۵۳/۵) نکته جالب توجه درباره اقلیت های دینی این است که مسلمانان حتی مسئول امنیت چیزهایی مثل خوک و مشروبات الکلی متعلق به آنان که در ذمه اسلام حرام است نیز بوده اند البته این در صورت عدم اظهار از سوی آنان می باشد، و اگر کسی اینها از بین ببرد قیمت آنها را باید بپردازد و اگر این موارد را غصب کند باید بازگرداند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ص ۲۶۲).

۱۰- امنیت قضائی، از جمله حقوق اقلیت‌های دینی این است که به راحتی بتوانند به طرح شکایات بپردازند و از طرف حکومت نیز حمایت شوند. که این رویه را ما در حکومت امام علی (علیه السلام) مشاهده می‌کنیم که وقتی دهقانان غیر مسلمان فارس از خشونت و تحقیر نمودن‌های حاکم فارس نزد حضرت (علیه السلام) شکایت کردند امام (علیه السلام) طی نامه‌ای به حاکم فارس او را به خوش رفتاری با آنها امر نمود (نامه / ۱۹) دو نکته مهم در این مطلب وجود دارد یکی اینکه فضای جامعه اسلامی چقدر آزاد است که یک اقلیت دینی به طرح شکایت آن هم نزد اول شخص حکومت اسلامی آن هم از یک مقام عالی رتبه مسلمان می‌پردازد و دیگر اینکه حضرت (علیه السلام) نیز به این شکایت ترتیب اثر می‌دهند.

۱۱- استقلال قضائی، مرافعات و دعوای قضائی؛

یک اقلیت دینی از سه صورت خارج نیست:

الف) یا خواهان مسلمان است و خواننده اقلیت دینی است؛

ب) و یا بالعکس خواهان اقلیت دینی است و خواننده مسلمان است؛

ج) یا اینکه هر دو هم خواهان و هم خواننده اقلیت دینی هستند، در دو صورت اول که یک طرف دعوی مسلمان باشد طبق عدل اسلامی بدون در نظر گرفتن هیچ امتیازی به دعوای آنها رسیدگی می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۰: ص ۲۶۲). که نمونه بارز آن را در طرح ادعای امیر المؤمنین علی (علیه السلام) با آن مرد مسیحی پیرامون آن زره گمشده می‌توان مشاهده نمود.

در جریان گم شدن زره امام (علیه السلام) و شیوه دادخواهی آن حضرت از یک مسیحی که حامل آن زره بوده و چگونگی دادرسی در حضور محکمه و قاضی دو نکته مهم وجود دارد:

الف - قاضی به هنگام رسیدگی نام امام را با تجلیل بر زبان آورد و خصم را به طور عادی نام برد و این تبعیض مورد اعتراض امام قرار گرفت که مسیحی بودن متهم نمی‌تواند دلیل مشروعیت تبعیض در نگاه و کلام قاضی باشد.

ب- با آنکه حضرت (علیه السلام) در مقام خلافت بود قاضی از ایشان بی‌تنبه درخواست نمود، و قاضی هم با بی‌تنبه نداشتن امام علی (علیه السلام)، به نفع آن مرد مسیحی حکم نمود، رعایت اینگونه عدالت توسط شخصیتی که می‌توانست بدون مراجعه به محکمه، زره خویش را از متهم بستاند آن مسیحی را بر آن داشت که به پیدا کردن زره اعتراف نموده و آن را به امام علی (علیه السلام) بازگرداند و به اسلام بگردد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲، ج ۳، ص ۳۱۶).

در کدام مکتب چنین مکانیزمی برای احقاق حق وجود دارد.

و اگر هر دو طرف دعوا اقلیت دینی باشند مخیرند که به دستگاه قضاء حکومت اسلامی رجوع کنند و یا اینکه طبق شریعت خود عمل کنند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ص ۲۶۲).

۱۲- برخورداری از حقوق شخصی و مدنی، اهل ذمه از کلیه حقوق مدنی برخوردارند. این حقوق شامل تکریم همه انسانها، ممنوعیت به کارگیری دروغ، نیرنگ، غش و تدلیس، ممنوعیت ورود به خانه آنها بدون اجازه، ضرورت پای بندی به تعهدات، حق ازدواج و طلاق، جواز وقف اموال برای ساختن معبد، حق توکیل شدن و مانند آن می باشد (امام خمینی ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۵۰۷، ۳۶۴، ۹۱، ۷۱، ۵۶) ائمه علیهم السلام در حسن معاشرت با غیر مسلمانان، به رفتار امام علی علیه السلام استشهاد می کردند. نمونه این نوع رفتار، همراهی حضرت علی علیه السلام با مرد شامی است زمانی که حضرت علی علیه السلام حاکم جامعه اسلامی بودند، در راه خود به سوی کوفه با مردمی از اقلیت های مذهبی برخورد نمودند و چون بخشی از مسیر هر دو مشترک بود، توافق کردند که این مسافت را با هم بپیمایند. آن گاه به دو راهی رسیدند، مرد با کمال تعجب دید که رفیق مسلمانش از راه کوفه نرفت و به مصاحبت خویش ادامه داد. با شگفتی تمام پرسید: مگر نگفتی به قصد کوفه می روی؟ مصاحبش با کمال مهربانی پاسخ داد: بلی. مرد که قانع نشده بود، پرسید: پس چرا از این سو می آیی؟ حضرت در پاسخ فرمود: می خواهم قدری تو را مشایعت کنم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله ما فرموده است که هر گاه دو نفر در راهی با یکدیگر مصاحبت کنند حقی بر یکدیگر پیدا می کنند. اکنون تو حقی بر من پیدا کردی. من به سبب این حق، چند قدمی تو را مشایعت می کنم، سپس به راه خود می روم. تعجب آن مرد زمانی بیشتر شد که متوجه شد رفیق مسلمان او حاکم کوفه است (کلینی، ۱۳۸۵: ج ۴، ص ۶۸۶).

۱۳- کمک های مالی در صورت نیاز، رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین ساعات عمر شریفشان می فرمایند: به شما تاکید می کنم اهل بیت مرا نگهداری کنید و از آنان حمایت نمائید، و از اهل ذمه (اقلیت های دینی) دستگیری کنید، و از فقراء و مساکین و بردگان دلجوئی نمائید (عزیزی، ۱۳۸۵: ص ۲۰۴).

امام علی علیه السلام در دوران حاکمیت خود هنگامی که پیرمرد از کار افتاده نابینایی را می بیند که از مردم تقاضای کمک می کرد مشاهده نمود حضرت بی درنگ از وضعیت او جويا می شود و یک نفر را مأمور رسیدگی به حال و وضعیت وی نمود. او پس از تحقیق گزارش داد: وی مسیحی است و از مردم درخواست کمک می نماید، امام از شنیدن این سخن ناراحت شدند و فرمودند: این شخص تا جوان بود او را به کار کشیدید و از نیروی او بهره گرفتید و اکنون که پیر و ناتوان گشته وی را به حال خود رها نموده و از احسان و کمک خویش محرومش می نمایید؟ آنگاه این فرمان همیشه ماندگار را صادر نمود:

أَنْفِقُوا يَلِيَهُ بَيْنَ بَيْتِ الْمَالِ

برای وی از بیت المال مستمری قرار دهید (شیخ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۹).

۱۴- حق مسکن، اقلیت‌های دینی حق دارند در کشور اسلامی هر کجا که بخواهند خانه بسازند مگر دو شهر مکه و مدینه، البته فقها فرموده اند: مسکن اهل ذمه نباید از نظر ارتفاع (غیر متعارف) بلندتر از خانه مسلمان باشد، این حکم راجع به خانه ایست که بخواهند از نو بنا کنند (نجفی، ۱۹۸۱: ج ۲، ص ۲۸۵) این توصیه را راجع به مسلمانان هم داریم الا اینکه نسبت به اهل ذمه الزامی است. ۱۵ و ۱۶- تامین امنیت، و ابراز همدردی، امام علی (علیه السلام) در حادثه ای که طی آن به یک زن غیر مسلمان تحت حمایت حکومت اسلامی ظلمی صورت گرفته بود فرمودند: «به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده، و خلخال و دست بند و گردن بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع، جز گریه و التماس نداشته اند اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تاسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است» (خطبه / ۲۷).

همچنین حضرت در نامه ای به مأموران دریافت مالیات در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «برای گرفتن خراج از بدهکار، لباس تابستانی یا زمستانی و ابزاری را که با آن به کارهایش می‌رسد و نیز برده اش را به فروش نرسانیده و نیز برای درهمی، کسی را تازیانه نزنید. همچنین برای جمع آوری خراج، به مال احدی، چه مسلم و چه ذمی، دست نزنید، مگر اسب یا سلاحی باشد که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود» (نامه ۵۳).

۱۷- بیگانه ندانستن، بر اساس آنچه تا کنون مطرح گردید موضوع اقلیت‌های دینی در ایدئولوژی اسلامی هیچ گاه مترادف با مفهوم بیگانه نبوده است افراد غیر مسلمان در جامعه اسلامی می‌توانند با شرایطی خاص و طی یک معاهده دو جانبه جایگاه خود را از بیگانه به یک متحد واقعی تبدیل سازد و به عضویت جامعه و حتی امت بزرگ اسلامی در آیند.

۳. نتایج

۱- سابقه حمایت از حقوق اقلیت‌ها در نظام الهی - علوی انعکاس یافته در نهج البلاغه به چهارده قرن پیش می‌رسد، در حالی که در نظام‌های متأثر از اسناد بین المللی حداکثر به پنج قرن بیشتر نمی‌رسد اقلیت‌های در کشور اسلامی آزادانه در سایه حکومت اسلامی در کنار مسلمانان زندگی مسالمت آمیزی

دا شتند و گواه بر این مطلب آتشکده‌های روشن چند هزار ساله زردشتیان در قلمرو کشور اسلامی ایران است.

۲- در نظام الهی - علوی انعکاس یافته در نهج البلاغه به جهت تشکیل امت واحده، هر گونه امتیاز و برتری جوئی نادیده گرفته می‌شود، و همه انسان‌ها با هر رنگ و نژاد، و ملیتی برابرند و تنها ملاک برتری در اسلام (آن هم نزد خدای متعال) تقوا و پرهیزکاری است، لذا در فرمایشات و سیره امام علی (علیه السلام) طبقه بندی اقلیتی نداریم و فقط اقلیت دینی را به رسمیت می‌شمرد مضاف بر اینکه اقلیت دینی را جزء پیکره اسلام می‌داند و او را بیگانه از امت اسلامی نمی‌داند، در حالی که در اسناد بین المللی اصل پذیرش انواع اقلیت‌ها، تبعیض نژادی ... می‌باشد و پررنگ نمودن مرزهای بین اقلیت‌ها است.

۳- در نظام الهی - علوی انعکاس یافته در نهج البلاغه حقوق اقلیت‌های غیر دینی نادیده گرفته نشده است؛ بلکه آن گونه که در اسلام به اقلیت‌ها غیر دینی اهمیت داده شده است در اسناد بین المللی این اهتمام مشاهده نمی‌شود، زیرا در نظام الهی - علوی از ابتداء سایر اقلیت‌ها را در ردیف اکثریت قرار داده است بدون هیچ تبعیضی، در حالی که در اسناد بین المللی با در نظر گرفتن حقوقی متمایز برای اقلیت‌ها، آنها را از اکثریت جدا نموده و سپس می‌خواهند با جعل حقوقی برای اقلیت‌ها، آنها را به پیکره اکثریت ملحق کنند یعنی دوباره کاری و چقدر در این الحاق موفق بودند، قضاوت را بر عهد و جدان‌های بیدار و منصف قرار می‌دهیم.

۴- ماهیت حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین المللی سلبی است یعنی هیچ گونه الزام و تعهدی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کنند، اما در نظام الهی - علوی حقوقی که برای اقلیت‌ها ذکر شده است طبق پیمان ذمه ایجابی است و دولت اسلامی موظف به فراهم نمودن این حقوق است.

۵- در اسناد بین المللی حقوق اقلیت‌ها بر اساس اصالت فردی تعیین شده است اما در فرمایشات امام علی (علیه السلام) به فرد و جامعه همپای هم نظر شده است

۶- حقوق اقلیت‌ها در نظام الهی - علوی از جامعیت کامل برخوردار است به نحوی که هم به حقوق مادی و هم روحی - عاطفی پرداخته است آن هم به علت نگاه جامعی است که اسلام به (بعد مادی و مجرد) انسان دارد بر خلاف اسناد بین المللی که نگاهش به انسان مادی است.

۷- و در آخر اینکه در نهج البلاغه حقوق اقلیت‌ها فقط بطور کلی بیان نشده بلکه به صورت معین و مصدافی بحث شده است بر خلاف اسناد بین المللی.

- . قرآن کریم، ترجمه: آیه الله ناصر مکارم شیرازی.
- . نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام)، ۱۳۷۹ ش، محمد دشتی، قم: پارسایان.
- . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حسین صادقی، ۱۳۸۵ ش، تهران: حقوق اسلامی.
۱. ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (رحمته الله علیه).
 ۲. بلاغی، صدرالدین، ۱۳۷۰ ش، عدالت و قضا در اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۳. جعفریان، رسول، ۱۳۸۵ ش، تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، قم: دلیل ما.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵ ش، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
 ۶. حرانی، حسن بن شعبه، ۱۴۰۴ ق، تحفة العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۷. حلّی، حسن بن یوسف، (بی تا)، تذکرة الفقهاء، قم: مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریة _____، ۱۴۱۰ ق، قواعد الاحکام، بیروت: فقد المستعد.
 ۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۸ ش، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
 ۹. سیاح، احمد، ۱۳۷۴ ش، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: اسلام.
 ۱۰. سیموندز، پانوش، ۱۹۹۳ م، "چارچوبی برای حمایت از اقلیت ها"، مجله یونسکو، نسخه فارسی.
 ۱۱. طباطبائی (رحمته الله علیه)، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ ق، زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران: اسلامیه.
 ۱۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲ ق، المبسوط فی فقه الامامیه، محشی: محمدتقی کشفی، بیروت: دارالمرتضی.
 ۱۴. عزیزی، ستار، ۱۳۸۵ ش، حمایت از اقلیت ها در حقوق بین الملل، چاپ اول، نشر نور علم.
 ۱۵. علومی، رضا، ۱۳۴۸ ش، کلیات حقوق، تهران: میهن.
 ۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۰ ش، اسلام و حقوق اقلیت ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۷. فرج الصده، عبدالمنعم، (بی تا). اصول القانون، بیروت: دار النهضه.
 ۱۸. کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۰۸ ق، معدن الجواهر، تهران: انتشارات کتابخانه مرتضویه.



۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵ ش، *اصول کافی*، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: قائم آل محمد علیه السلام.
۲۰. کوئن، بروس، ۱۳۸۷ ش، *میانی جامعه شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا توسلی، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. مجلسی رحمته الله علیه، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۲ ش، *نظریه سیاسی اسلام*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. معلوف، لوئیس، ۱۳۸۰ ش، *المنجد فی اللغة*، ترجمه: محمد بندرریگی، تهران: ایران.
۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، *المقنعه*، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مهریور، حسین، ۱۳۷۷ ش، *نظام بین المللی حقوق بشر*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۷. موسوی خمینی رحمته الله علیه، روح الله بن مصطفی، ۱۳۶۵ ش، *تحریر الوسیله*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. نجفی، محمد بن حسن، ۱۹۸۱ م، *جواهر الکلام*، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲۹. نوری رحمته الله علیه، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

مقالات

۳۰. زمانی، سید قاسم. زمستان، ۱۳۸۴ ش، "حمایت از اقلیتها در اسناد جهانی"، *دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، پانزدهم و شانزدهم، ۱۴۵-۱۸۶.
۳۱. لسانی. حسام الدین، بهار و تابستان ۱۳۸۲ ش، "جایگاه حقوق اقلیتها در حقوق بین المللی بشر (آخرین دستاوردها)"، *فصلنامه اندیشه های حقوقی*، سوم، ۱۲۹-۱۵۳.

۳۳. Tomuschat, Christian. (1985). Status of Minorities under Article 27. of the UN Covenant on Civil and Political Rights; in satish chandra, (Ed), Minorities in National and International Law, pp 31-68.

34. Ermacora, Felix(1983). the Protection of Minorities before the United Nations, Recueil des cours, Academie de Droit International (RCADI).

35. Janis, Mark .w. (2001) .W; Religion and International Law; American Society of International Law; November.

36. Lerener, Natan (1991). Group Rights and Discrimination in International Law ; Martinus, Nijhoff.

37. Vieytez , Ruiz - Eduardo, Javier .(2001). the protection of Linguistic Minorities : A Historical Approch, Most.

سایتها

38. www.humanrights-iran.ir

39. www.unic-ir.org .

پژوهش‌های نهج البلاغه، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۷۴

